



علوم انسانی؛ سنگ‌بنای تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری رهبر شهید

مدیر گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگویی به تشریح دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب درباره علم و دانش پرداخت و تأکید کرد:

مدیر گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگویی به تشریح دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب درباره علم و دانش پرداخت و تأکید کرد: علم در منظومه فکری ایشان دارای دو قلمروی مادی و معنوی است و باید بین این دو تعامل وجود داشته باشد. او همچنین علوم انسانی غربی را نیازمند بومی سازی و پیوند با ارزش‌های دینی دانست تا در خدمت سعادت ابدی بشر قرار گیرد نه صرفاً منافع دنیوی.

در منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، علوم انسانی صرفاً یک رشته دانشگاهی نیست؛ بلکه سنگ بنای تمدن نوین اسلامی و ابزاری حیاتی برای فهم صحیح انسان و جامعه است. رهبر معظم انقلاب بارها تأکید داشته‌اند که بسیاری از بحران‌های فکری و اجتماعی امروز، ریشه در عدم توجه به میانی بومی و علوم انسانی اسلامی و تقلید کورکورانه از نظریات غربی دارد. از سوی دیگر، ایشان علم را در سه قلمرو (مادی، معنوی و انسانی) پیوند می‌دهند و معتقدند بدون اصلاح علوم انسانی، تعالی اخلاقی و معنوی جامعه میسر نخواهد بود.

سرورس اندیشه‌ایکنا در این مجال به سراغ حجت‌الاسلام محمدعلی اسدی‌نسب، مدیر گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی رفته تا پیرامون این موضوع گفت‌وگو کند. اسدی‌نسب در این گفت‌وگو به تبیین دیدگاه‌های راهبردی رهبری درباره ضرورت بومی‌سازی و اسلامی‌سازی علوم انسانی، تفاوت نگاه اسلامی و غربی به انسان و راهکارهای عملی برای غنی‌سازی این حوزه پرداخت.

ایکنا _ یکی از محورهای مورد بحث در خصوص ابعاد شخصیتی و اندیشه‌ای رهبری حوزه علم است. ایشان با رویکردی فلسفی و الهیاتی به علم نگاه می‌کردند. دیدگاه ایشان درباره علم و علوم انسانی چگونه بود؟

در مورد بحث علم و دانش، باید عرض کنم که معرفت جزء ذاتیات اسلام و قرآن است. امکان ندارد علم را از قرآن جدا کنید. نکته محوری دیدگاه رهبری معظم انقلاب، مرزبندی و تعامل میان قلمرو علمی مادی و معنوی است.

علم هم برای آبادانی دنیا مطرح است، هم برای بند کردن این علم به علم اخروی و سعادت ابدی، لذا باید بین آن علم الهیاتی در قرآن و علمی که مربوط به جنبه دنیوی است، تناسب و تعامل باشد؛ چرا که یکی بیان‌کننده قول خداوند (قرآن) و دیگری بیان‌کننده فعل خداوند (طبیعت) است و بین این دو نباید تعارضی وجود داشته باشد. علوم تجربی روز قابل تحسین است، زیرا فعل خداوند را تشریح می‌کند.

ایکنا - علم دنیوی در دیدگاه ایشان مقدمه‌ای برای جنبه‌های معنوی محسوب می‌شد؟

بله. آنچه در دنیا می‌گذرد، آیات الهی است. در دیدگاه رهبری علم لازمه پیشرفت، سعادت و لازمه دینداری است. هرچه در عرصه علم و دانش عمیق‌تر شویم، در عرصه خدانشناسی، معادشناسی و دین‌شناسی نیز عمیق‌تر خواهیم شد؛ چرا که جهان طبیعت تفسیر فعل خداوند است و با تفسیر کلام خداوند در تعارض نیست.

ایکنا - شما به اهمیت علوم انسانی نیز اشاره کردید. رهبری تأکید فراوانی بر این حوزه داشتند و بسیاری از حوادث اجتماعی را ناشی از نظریه پردازی‌های این حوزه می‌دانستند. با توجه به اینکه گفتید باید شاخص میانی برای پیوند قول و فعل وجود داشته باشد، در توسعه علوم انسانی بر چه معیارهایی باید تأکید شود؟

اغلب میان «علوم تجربی» و «علوم الهی» فاصله‌ای پنداشته می‌شود، اما در حقیقت، هر دو ریشه در «تجربه» دارند؛ تفاوت در قلمرو تجربه است. انسان‌شناسی، گیاه‌شناسی و حیوان‌شناسی همگی بر پایه مشاهده و تجربه بنا شده‌اند. چرا؟ زیرا انسان، جاندار و دارای عقل و همچنین تمام موجودات دیگر، فعل خداوند هستند. بنابراین، هر پژوهشی که در این حوزه‌ها انجام می‌شود، در واقع کنکاش در آثار خداوند و حرکت در راستای «علم الهی» است.

سؤال بنیادین این است که چگونه این دو گام را به هم پیوند دهیم؟ کلید پیوند میان این دو، در «نگرش» ما به گزاره‌های علمی

نهفته است. هر گزاره علمی را می توان از دو منظر مورد توجه قرار داد. نگرش مادی و مجرد؛ جایی که به دنبال علیت صرفاً مادی هستیم و فرآیند را صرفاً به عوامل فیزیکی و شیمیایی محدود می کنیم.

نگرش عمیق (منظومه معاد و مبدأ)؛ جایی که گزاره علمی را نه در نقطه ای بن بست، بلکه به عنوان «نشانه ای» می بینیم که ما را به مبدأ (خداوند) و معاد بازمی گرداند. اگر تنها به جنبه های مادی و علی ظاهری یک پدیده بسنده کنیم، علم به یک ابزار فنی تبدیل شده و نه تنها سبب سعادت نمی شود، بلکه ممکن است انسان را در دام غفلت بیفکند. اما اگر در آن گزاره علمی، «ربط» و «نسبت» آن به عالم و آدم و نهایتاً به خالق را درک کنیم و آن را به خودمان بازگردانیم، علم تبدیل به سرمایه بینش می شود.

علم تعمق یافته علمی که در آن، انسان از سطح ماده عبور کرده و به اصل فاعلیت خداوند متصل می شود و علم نجات بخش؛ علمی که فرد را از غرق شدن در ماده نجات داده و او را به سوی کمال سوق می دهد. اما برای پیوند دادن این دو حوزه، ما باید یک گزاره علمی را از دو صورت ببینیم؛ یکی مجرد از مبدأ و معاد، و دیگری با توجه به مبدأ. اگر صرفاً به جنبه مادی متمرکز شویم و دنبال علیت نگردیم، این علم نمی تواند برای ما سعادت ایجاد کند.

آن علمی نجات بخش است، که ربط آن به معاد درک شود و انسان آن را سرمایه بینش و گرایش خود قرار دهد. آنگاه است که «خشیت عالمانه» که در قرآن آمده، محقق می شود.

ایکنا - مقام معظم رهبری همچنین تأکید داشتند که ما باید تولیدکننده علم باشیم، نه مصرف کننده. برای ارتقای علوم انسانی، انتظارات ایشان از دانشگاهیان و حوزویان چگونه بوده است؟

انتظارات در علوم انسانی باید دو بخش باشد. ما علوم انسانی غربی را می توانیم بگیریم و استفاده کنیم، اما باید بومی و اسلامی اش کنیم. اسلامی سازی یعنی گره دادن جنبه الهیاتی آن. علوم انسانی فعلی برای رفاه دنیوی مهیا شده، در حالی که انسان مؤمن سود و زیان ابدی را نگاه می کند.

دو قید اساسی وجود دارد؛ اول، بومی سازی براساس نیازهای خودمان و دوم، اسلامی سازی یعنی انطباق با ارزش های دینی. کسی که در غرب به آمار می رسد که مثلاً مصرف شربت خاصی راندمان کارخانه را بالا می برد، ممکن است آن را بپذیرد؛ اما انسان مؤمن می داند که این امر او را از سعادت باز می دارد. ما باید این علوم را با این دو قید، ساختار جدیدی ببخشیم.

ایکنا - نکته پایانی.

این نظام کاملاً بر پایه علم، دانش، درک و شعور پیش می رود و قطعاً قائم به فرد نیست. آنچه رهبری اعم از امام خمینی(ره) و رهبر انقلاب به وجود آوردند، از بین رفتنی نیست. امروز حتی خارجی ها هم تعجب می کنند که چگونه ایرانی که فرماندهان عالی رتبه اش شهید شده اند، در برابر ابرقدرت جنایتکار آمریکا به پیروزی می رسد و این همان چیزی است که تضمین کننده آینده ما خواهد بود.